



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۰۳/۲۸



سید هاشم سدید

بهبانہ ای برای تکمله باقی مانده های علت این تغییر چیست (کاسه داغ تر از آش)

بخش هشتم و آخر

جواب "نگاه های متفاوت... «تکمله دوم و سوم»

نوشته هارون جان اتمر را در دریچه نظریات افغان جرمن آنلاین خواندم. چون این مطلب برای جناب بارز صاحب محترم به درد بخور است، آن را به اجازه هارون جان و به اجازه پورتال افغان جرمن آنلاین غرض مطالعه جناب بارز صاحب نقل می کنم - البته به رسم امانت داری و احترام به نویسنده خبر، با همان املاء و رسم الخطی که نوشته شده است:

«اظهارات جسورانه و کاملاً غیر منتظره پاپ فرانسیس رهبر کارتولیک های جهان در رابطه با بعضی باور های دینی گوناگون وی: (۱)»

پاپ فرانسیس اعلام کرد: آدم و حوا و طوفان نوح و یا طبقات هفتگانه آسمان و... که در انجیل، قرآن، تورات و بسیاری از کتب مقدس ادیان دیگر آمده داستانی بیش نیستند که علم امروزه بشر و تمام دانشمندان بزرگ دنیا با هزاران دلایل صد در صد علمی آنها را قاطعانه مردود و دروغ می دانند.

به گزارش آسه سور پرس، پاپ فرانسیس - در خطبه ای که در آن تعجب همگان را برانگیخت، اعلام کرد: کلیسای کاتولیک دیگر به جهنم معتقد نیست، زیرا این موضوع با عشق خداوندی تعارض دارد و آدم و حوا و طوفان نوح و یا طبقات هفتگانه آسمان و... که در انجیل، قرآن، تورات و بسیاری از کتب مقدس ادیان دیگر آمده داستانی بیش

۱- واقعاً جناب دانشمند فرهیخته، سدید صاحب نوشته جناب "هارون اتمر" را به همان شکل و با همان املاء و انشای نویسنده اش، در مقاله شان برون داده اند و اصلاحات اصطلاحات فارسی طرف استفاده در ایران به اصطلاحات دری افغانستان از طرف اداره (آریانا افغانستان آنلاین) صورت گرفته که در این راه از سالهاست مصروف مبارزه است.

نیستند که علم امروزه بشر و تمام دانشمندان بزرگ دنیا با هزاران دلایل صد در صد علمی آنها را قاطعانه مردود و دروغ میدانند.

پاپ در آخرین خطاب خود تأکید کرد: ما با تفکر و دعا فهم جدیدی از برخی عقاید به دست آوردیم؛ کلیسا دیگر به جهنم اعتقادی ندارد، زیرا اعتقاد به این موضوع، عشق الهی را زیر سؤال می برد. همچنین خداوند قاضی نیست؛ بلکه دوستدار بشریت است.

وی در ادامه تصریح کرد: خداوند قصد محکومیت کسی را ندارد، علاوه بر آن داستان آدم و حوا تنها یک اسطوره است و جهنم تنها کنایه ای از روح تنها است.

پاپ فرانسوا با بیان اینکه تمام ادیان در ذهن افراد صحت دارند زیرا از قلب تمام افرادی سرچشمه گرفته اند که به وجود خداوند ایمان دارند، تصریح کرد: کلیسا و روحانیون ادیان دیگر در گذشته در مورد اکثر مسایل با علوم و کشفیات جدید علمی شدیداً دشمنی و مخالفت می ورزیدند. ولی امروزه در کشورهای اروپایی و دیگر کشورهای پیشرفته هر جوان مکتبی و پوهنتونی می داند که آدم و حوا افسانه ای بیش نیست که علم زیست شناسی آنرا مردود می داند و یا داستان نوح که علم زمین شناسی و نجوم که چگونگی پیدایش زمین و همه کائنات را تا چهارده میلیارد سال پیش (بیگ بانگ) به طور کامل کشف کرده اند داستان کودکانه ای تلقی می کنند. ما و روحانیون دیگر ادیان هنوز هم می توانیم در صد زیادی از مردم جهان را در جهل و خرافات معتقد و متدین نگهداریم اما امروز به نقش خود به عنوان قاضی پایان داده و آغوش خود را به روی تمام علوم می گشائیم.

وی در ادامه تأکید کرد: وقت آن رسیده است که تعصب را کنار بگذاریم و اعلام کنیم که حقیقت دین قابلیت تغییر و پیشرفت دارد، به طوری که حتی بی دینان و کافران نیز با دیدن محبت الهی؛ وجود خداوند را به رسمیت بشناسند. پاپ فرانسویس با اشاره به این که انجیل کتاب مقدس مسیحیان است؛ بیان کرد: با وجود آن که انجیل کتاب زیبایی است، اما در آن کلمات و عباراتی وجود دارد که همگان را به تعصب و محاکمه دعوت می کند، در حالی که زمان آن رسیده است تا این بخش ها مورد مطالعه قرار گیرند! وی در ادامه اظهار امیدواری کرد در آینده یک زن به مقام پاپی برسد.

امیدوارم جناب بارز صاحب محترم متوجه نکاتی که پاپ کاتولیک های جهان یادآور شده اند، و حاکی جهل و تعصب کلیسای قرون وسطی در بسیاری اعتقاداتش، و یک تعداد اعتقادات مردود دیگر تا همین امروز بوده است، شده باشند. می خواهم برای سهولت بیشتر در فهم دقیق تر مطالب شامل صحبت پاپ فرانسویس، نکات مهم آن را در جملات کوتاه و منفرد به ترتیب ذیل خدمت شان پیشکش کنم:

- - اقرار به مخالفت کلیسا و روحانیون در گذشته با علوم و کشفیات جدید.
- - اقرار به این امر که کلیسا به وجود دوزخ، چیزی که افسانه ای بیش نیست، اعتقاد داشت.
- - اقرار به افسانه بودن داستان آدم و حوا.
- - اقرار به کودکانه بودن داستان نوح و طوفان وی.
- - اقرار به این حقیقت که کلیسا مردم را در جهل و خرافات نگه داشته بود.

➤ - اقرار به این که کلیسا در گذشته نقش قاضی، و به طبع آن نقش قانونگذار را در میان مردم بازی کرده است.

➤ - اقرار به این که کلیسا دچار تعصب، یعنی سخت گیری و مطلق گرایی بوده است.

➤ - اقرار به این که کلیسا قبل بر این دین را به هیچ وجه قابل تغییر و پیشرفت نمی دانست.

➤ - اقرار به این که رویه کلیسا با مردم توأم با خشونت و نامهربانی و شدت عمل بوده است.

➤ - اقرار به این که کتاب انجیل و کلیسا مردم را به تعصب و خشونت دعوت می کردند.

➤ - اقرار به این که کتاب انجیل کتاب یک دست نیست (مانند تمام کتب دینی).

➤ - اقرار به این که انجیل باید باز بینی شود.

➤ - اقرار به این که حق زن در مسیحیت پامال شده است.

فکر می کنم با این اعترافات پاپ کاتولیک های جهان، دیگر تردیدی نسبت بدانچه من در باره غرب هزار سال پیش و جهل کلیسا اظهار داشته ام، باقی نخواهد ماند. تأکید بر این مطالب بدان معنا نیست که گویا چنین مطالب قابل نگرانی و تأمل در سائر ادیان وجود ندارد!

پاپ امروز در باره حقوق و برابری زن سخن می گوید، در حالی که دانشمندان مسلمان کم و بیش هزار سال پیش باره اتلاف حقوق و فقدان برابری زن در جوامع اسلامی تشویش شان را ابراز داشته اند. اشراف یک هزار سال پیش مسلمان به خیلی از مسائل، نشان از یک هزار سال جلو تر بودن مسلمانان نسبت به غرب در برخی مسائل فرهنگی - علمی - فلسفی دارد.

من قبلاً به یکی از سخنان ابن رشد در باره اشاره کرده بودم. در اینجا می خواهم آن را همان گونه که خانم مانجی بیان نموده است، یک بار دیگر نقل کنم:

«چرا به همینجا بسنده کنیم؟»

ابن رشد بیش از هر اروپائی مسلمان یا نامسلمان دیگری در آن زمان، از برابری زن و مرد دفاع می کرد. نظرش این بود که توانایی زنان شناخته نشده، چرا که "آنها همیشه به بچه آوردن، بچه بزرگ کردن و بچه شیر دادن گماشته شده اند." پیشگویانه به نخبگان تمدن هشدار می داد که "رفتار با زنان به مثابه باری بر دوش مردان، یکی از دلایل فقر است." (۲)

در مورد بازبینی کتاب های دینی، که پاپ بدان اشاره نموده است، قرن ها قبل مسلمان نه تنها ضرورت آن را بیان داشته اند، که در عمل از طریق اجتهاد آن را به کار بسته اند. اجتهاد در اصطلاح فقه ها استنباط مسائل شرعی از قرآن، یا از احادیث است که همان بازبینی معنا دارد. جمله پائین از یکی از علمای اسلامی یک هزار سال پیش است که می گفت:

۲- در این جمله بالا: «... توانایی زنان شناخته نشده»، چرا که "آنها همیشه به بچه آوردن، بچه بزرگ کردن و بچه شیر دادن گماشته شده اند." «...» مقصد مترجم (از بچه) در این مطلب که حتماً از عربی به فارسی باید ترجمه شده باشد و به گمان اغلب مترجم آن ایرانی بوده باشد [بچه عکس دختر نیست] بلکه باید عرض کنم که ایرانی ها به (طفل) و (اولاد) بچه می گویند. که از آن نباید برداشت غلط شود. "نوری ناشر" [[

«هیچ حکمی در دین نیست که بگوید همه این عبارت ها را - منظور احکام دینی ست - باید به معنی تحت اللفظی شان تفسیر کرد.»

و این سخن ها:

- شریعت ها در میان ما کینه افکنند و ما انواع دشمنی را از آن ها به ارث برده ایم.
 - آیا مرده ای از خاک برخاست که از دیده ها و شنیده های خود خبر بدهد؟
 - ای فریب خورده، اگر عقل داری از او بپرس که هر عقلی پیامبری است.
 - مردم بر دو نوعند: یا دین دارند و عقل ندارند، و یا عقل دارند و دین ندارند.
 - بزرگترین فریب کاری پیامبران نوید دادن به بهشت است.
 - عالم هیچ وقت فرسوده نمی شود. از ازل بوده است و تا ابد خواهد بود.
 - منشاء همه ادیان زمینی است. دین منشاء آسمانی ندارد.
- ...و...

بخوانید و فکر کنید و ببینید که تفاوت ها چقدر است. پاپ امروز می گوید وقت آن رسیده است که تعصب را کنار بگذاریم. ابوعلو معری، مردی که با دقت بی نظیر خود را به مسائل هستی، دین، حکومت، جامعه، علم، ادب و... مصروف ساخته بود و شمه ای از نظریاتش را در بالا مشاهده نمودید، هزار سال پیش از امروز همین مطلب را به این زبان: این شریعت ها هستند که در میان ما کینه می اندازند، بیان می داشت.

پاپ هنوز در باره بهشت چیزی نگفته است. او تنها گفته است که دیگر به دوزخ اعتقاد ندارد. وقتی خود پاپ اعتراف می کند که کلیسا مردم را در جهل و خرافات نگه داشته است، شما با چه دستاویزی، و با معذرت، مانند کاسه داغ تر از آش شده به دفاع از کلیسا بر می خیزید؟

معنای این سخن پاپ از نظر من این است که کلیسا - خود - قرن ها در جهل و بی خبری به سر می برده است. اگر نتوانیم چنین تعبیری از این سخن پاپ کنیم، و فکر کنیم که کلیسا در جهل قرار نداشت، بلکه تنها می خواست مردم را در جهل نگه دارد، دو منظور در این کار کلیسا می تواند متصور باشد:

- یکی) کلیسا انگیزه مادی داشته و از جهل مردم سود می برده است؛ به سخنی دیگر کار کلیسا دکانداری بوده است، که بود.

- دوم) کتاب حرف هائی داشته است که قطعاً برای مردم قابل قبول نبودند. توضیح آن به مردم سبب می شد که مردم از دین گریزان شوند. بنا بر این کلیسا، در هر دو حالت و همان طور که من گفته ام، جهل پرور بوده است.

کلیسا هیچگاه نگفته است دین منشاء زمینی دارد، حتی همین اکنون که پاپ در برخی زمینه ها به خرافی، به افسانه و یا به دروغ بودن بسیاری از سخنان دین تأکید دارد. اما مسلمانان هزار سال قبل از امروز به وضوح و با کلمات سهل و قابل فهم می گفتند که دین منشاء آسمانی ندارد.

مطلب دیگر این است که: من نمی خواهم درون فلسفه، یا چیستی فکر یک فیلسوف سیر کنم و آن را بشکافم و ببینم که او کلاً چه چیز هائی گفته است.

این کار برای من با عقل کم و مطالعه ای ناچیزی که دارم قطعاً ممکن نیست. به هر گروه از فیلسوفانی، که می توان آن ها را به سه دسته: فیلسوفان یونان قدیم، فیلسوفان جهان اسلام و فیلسوفان غرب معاصر تقسیم نمود، اگر نگاه کنید، ده ها و صد ها فیلسوف خورد و بزرگ را در میان آن ها می بینید. هر فیلسوف ده ها و صد ها رساله و کتاب نوشته است. به یقین عمر من، شاید عمر هیچ انسانی به تنهایی کفایت نکند که همه کتاب های این همه فیلسوف را بخواند و

نتایج یا خلاصه نظرات آن ها را خدمت شما عزیز به عرض برساند. این کار شکافتن کوه عظیمی است با سوزن، جناب بارز صاحب!

تازه، هدف من تحقیق در باب جزئیات افکار فلاسفه مسلمان و فلاسفه پیش و پس از آن ها نبود. تنها مقایسه دو دوره زمانی و توجه فیلسوفان این دو دوره به علم و دانش و عقلانیت و ترقی و از این قبیل چیز ها بود، که یکی نتوانست در برابر دین و مذهب و فشار روحانیت محافظه کار و متعصب مقاومت کند و راهی را که پیش گرفته بود ادامه دهد و دیگری با استقامت و پایداری در برابر کلیسا و دین و تحمل هزار ها سختی و مشقت راه خود را به سوی توسعه و ترقی و پیشرفت و انکشاف علم و فن و آزادی از قیود کلیسا به تدریج، ولی با حوصله فراخ و قابل ستایش باز نمود. چرا یکی از نفس افتاد و دیگری با گام های تند و با قوت لازم پیش رفت، موضوعی است که هم شما می دانید و هم من می دانم؛ و اگر به نوشته های من دقیق شوید، خواهید دید که میان سخنان و فهم من و شما در این خصوص توفیری وجود ندارد.

علت سقوط آن و صعود این در چندین جا در نوشته های من بیان شده است. همچنان این که مراد از نوشتن دلیل این تغییر چیست، چه بوده است.

مردمانی که زیاد وسواس ندارند با یک اشاره متوجه مطلب شده اند. با شما عزیز، طوری که یکی - دو دوستی ابراز داشتند، با همه شفافیت مسأله، به یک نظر واحد نخواهم رسید. بناءً شما را می گذارم با شکافتن نظریات رنه دکارت و هیگل و آرامش دوستدار و کسانی مانند این ها.

من حرف های خود را زده ام. فکر می کردم شما نوشته های مرا می خوانید و بر آن ها نقد می نویسید، ولی چنین نیست. زیرا مطالب زیادی در نوشته های من وجود دارند، که اگر شما آن ها را کمی دقیق تر می خواندید و قصد دریافتن آن ها را می داشتید، سؤالی به من راجع نمی کردید؛ مانند شکافتن بحث های فیلسوفان، که من قبلاً به عرض رسانیده بودم که این کار از قدرت و حوصله و فهم من بالاست، اما شما عزیز باز هم، برای چندمین بار آن را مطرح می کنید!

مقاله "دلیل این تغییر چیست" برای شکافتن افکار دینی یا فلسفی فیلسوفان شرق و غرب نبود، جناب بارز صاحب محترم!!

آرزو داشتم با شما کمی گفت و گوی دوستانه داشته باشم، اما با تأسف، چون چیزی حاصل نمی شود، شما را با هر نیتی که دارید، به خدا می سپارم. امید است همیشه سلامت و سرحال باشید. دست های تان را از دور با صمیمیت و گرمی می فشارم.

پایان